

# ترویج و نقش آن در توسعه روستایی

● قسمت دوم و پایانی

● مهندس حشمت ا... سعدی



## ● توسعه کشاورزی و اهمیت آن

واقعیت این است که امروز در تمام کشورهای دنیا، توسعه کشاورزی یک ضرورت است و این، از مهمترین مسائلی است که اقتصاد و اجتماع هر کشوری با آن روبروست، زیرا رقابت بین افزایش جمعیت و مقدار عرضه خواروبار برای تغذیه انسان به اوج خود رسیده است. هر چندانکه اهمیت توسعه کشاورزی، فقط در امر تولید مواد غذایی خلاصه نمی‌شود، اما در حال حاضر، کشاورزی تنها راهی است که ما برای تأمین مواد غذایی انسانها می‌شناسیم. علاوه بر مورد فوق، در مورد لزوم توسعه کشاورزی، باید گفت: توسعه کشاورزی، بخشی اساسی و جدانشدنی از توسعه ملی است به عبارتی دیگر توسعه کشاورزی در توسعه اجتماعی - اقتصادی هم، سهیم است و به خاطر اهمیتی که دارد، اتخاذ هر نوع الگوی توسعه اقتصادی - اجتماعی، مستلزم نیل به درجاتی از توسعه و پیشرفت کشاورزی است. به همین دلیل توسعه کشاورزی، در چارچوب توسعه ملی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مورد این که در فرایند توسعه، چه تغییر و تحولاتی باید صورت گیرد؛ نظرات متفاوت است.

مثلاً رابرت استیونز معتقد است: توسعه کشاورزی به ایجاد تغییر در بخش کشاورزی بستگی دارد. در این تغییر، چهار عامل اساسی، دخالت دارند:

- ۱- تغییرات تکنولوژی
  - ۲- تغییرات نهادی و سازمانی
  - ۳- سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی
  - ۴- سرمایه‌گذاری در تحقیق و ترویج کشاورزی
- (منبع: ۱۱ - صفحه ۷۲)

جیمز بونن در همین ارتباط معتقد است، سرمایه‌گذاری برای نیروی انسانی، مهمترین عامل در توسعه کشاورزی است. زیرا آموزش، قابلیت انسان را در شناسایی و حل مشکلات افزایش می‌دهد. وی معتقد است برای توسعه کشاورزی سه عامل مهم زیر ضروری است: (منبع: ۱۱ - صفحه ۷۳)

- ۱- تکنولوژی جدید
- ۲- بهبود کیفیت نیروی انسانی
- ۳- تغییرات نهادی و سازمانی جامعه

به هر صورت، هر دو مورد فوق، به نوعی آموزش و ترویج کشاورزی را از ارکان مهم توسعه کشاورزی در نظر گرفته‌اند و بر آن تاکید دارند. پروفیسور موشر بر مبنای تجارب خود، ۵ عامل را به عنوان عوامل

ضروری در توسعه کشاورزی، ذکر می‌کند و ۵ عامل دیگر را به عنوان عوامل تسریع‌کننده فرایند توسعه کشاورزی می‌آورد از نظر موشر، عوامل مؤثر در توسعه کشاورزی عبارتند از:

- ۱- منابع شماره ۱ - صفحات ب و ج
- ۱- بازار برای محصولات کشاورزی
- ۲- تکنولوژی در حال تغییر
- ۳- دسترسی به مواد لازم
- ۴- انگیزه تولید برای کشاورز
- ۵- امکانات ترابری

عوامل تسریع‌کننده در توسعه کشاورزی عبارتند از:

- ۱- آموزش
- ۲- اعتبارات کشاورزی
- ۳- اقدامات گروهی زارعان
- ۴- یکپارچگی اراضی
- ۵- برنامه‌های محلی

همانطور که مشاهده می‌شود ترویج و آموزش کشاورزی را که نوعی آموزش غیر رسمی است، از عوامل تسریع‌کننده در توسعه کشاورزی می‌داند. البته این نظر شخصی موشر، ممکن است؛ مربوط به

تجارب خاص او در بعضی از کشورها باشد وگرنه ترویج، راهگشای توسعه کشاورزی است و دستیابی به عوامل ۵ گانه ضروری فوق، با وجود مروجین تسهیل می‌شود.

در تمام نظرات و تعاریف از توسعه کشاورزی، استفاده از تکنولوژی و آموزش مردم، هم به منظور استفاده از تکنولوژی و هم به جهت ایجاد زمینه مناسب فرهنگی - اجتماعی، از ضروریات است. در توسعه کشاورزی، اصولاً سه هدف عمده دنبال می‌شود که بدون دستیابی به آنها، توسعه اقتصادی و توسعه ملی مقدور نخواهد بود، این سه هدف عبارتند از:

**الف - تامین امنیت غذایی :** شاید این مهمترین دلیل برای توسعه کشاورزی باشد، زیرا در صورت کمبود غذای مناسب، سوء تغذیه ایجاد می‌شود و سوء تغذیه سدی در برابر توسعه است.

سوء تغذیه مانع رشد بدن شده، و بر کارکرد بدنی و ذهنی، در طول زندگی اثر منفی دارد. سوء تغذیه گنجایش کار بدنی را کاهش می‌دهد و تأثیر منفی بر بازده کار فیزیکی بدن دارد. کمبود مواد غذایی، کارکرد مغز را کاهش می‌دهد؛ زیرا مواد غذایی، برای ساخت پیش سازهای عصبی، برای برقراری ارتباط ضروری است.

به طور کلی، سوء تغذیه به سه روش، مانع توسعه اقتصادی است. (منبع شماره ۱۴ - صفحه ۱۷۴)

**۱ - کاهش کارایی جسمی :** در فرایند توسعه مخصوصاً در مراحل ساخت صنایع زیربنایی نظیر پالایشگاهها، سدها و ... نیاز به افرادی قوی و توانا هست. افراد ضعیف در انجام خیلی از فعالیتها که با نیروی جسمی انجام می‌شود، ناتوان هستند.

**۲ - کاهش بازده و کارایی سیستم آموزشی :** افرادی که به سوء تغذیه دچار هستند، نسبت به افرادی که در طول رشد، از کالری مناسب استفاده نموده‌اند، گنجایش ذهنی کمتر و توانایی یادگیری محدودتری دارند، این افراد در آینده، توانایی لازم را در انجام وظایف خود ندارند.

**۳ - بیماری و غیبت از کار و هزینه درمان :** سوء تغذیه، عامل بیماری است و طبعاً بیماری نیاز به درمان دارد و این نیز مسائلی چون غیبت، کسلی و ... به

همراه دارد که همه و همه مانع عملکرد مناسب، توسط فرد است.

با توسعه و گسترش کشاورزی، می‌توان غذای مناسب هم برای مولدان و هم برای مصرف کنندگان فراهم نمود و افرادی قوی بنیه و با فکر تربیت کرد، تا بتوانند، در آینده چرخهای توسعه را به حرکت درآورند.

## ب : ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان و کاهش فقر.

با توسعه کشاورزی، تولید و عرضه بالا می‌رود و به تبع آن درآمد روستاییان افزایش می‌یابد. با افزایش درآمد، فقر کاهش پیدا می‌کند و این از اهداف توسعه است. علاوه بر این، با توسعه کشاورزی، صنایع دستی در روستای گسترش می‌یابد و مشاغل جدیدی ایجاد می‌گردد و اشتغال در جامعه روستایی بالا می‌رود و در این رهگذر بیکاری پنهانی که در جامعه روستایی مشهود است، ریشه کن می‌شود.

## ج - حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی :

منابع طبیعی محدود هستند و در صورت استفاده نادرست، مسلماً بزودی فرسوده یا نابود می‌شوند. در کشاورزی سنتی، علاوه بر این که استفاده بهینه‌ای از منابع موجود در امر تولید نمی‌شود، غالباً به تخریب محیط زیست کمک می‌کند. مثلاً شیوه‌های آبیاری سنتی - کاشت مناطق شیب دار. قلع و قمع درختان بدون جایگزینی و ... در جهت تخریب محیط زیست هستند. با توسعه کشاورزی و حرکت بسمت کشاورزی پایدار، علاوه بر استفاده بهینه از منابع، آگاهی مولدان در مورد داشت و کاشت و برداشت محصول بالا می‌رود و آنها خود در صدد حفظ محیط برمی‌آیند.

دلایل فوق ضرورت توسعه کشاورزی را اثبات می‌کند. البته همان طوری که ذکر شد، توسعه

کشاورزی، یک فرایند پیچیده در طول زمان است، توسعه از این جهت پیچیده است که مستلزم اعمال تحولات و تغییرات مطلوب، در شئون فرهنگی - اجتماعی است. تلاش برای همسو کردن این تحولات، امری مشکل و پیچیده است و طبعاً موجب یک سلسله تحولات و تغییرات خواسته و ناخواسته می‌شود. علاوه بر این، نابرابریهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روستاها، مانع از ارائه فرمولی خاص، برای توسعه کشاورزی است.

توسعه کشاورزی فقط نتیجه کار کشاورز نیست، بلکه کاری جمعی است و همه افراد، اعم از کشاورزان، مهندسين، پیشه‌وران، مدیران و ... در آن نقش دارند.

## ■ ترویج و مفهوم آن

واژه ترویج نخستین بار در سال ۱۸۶۶، توسط دانشگاه کمبریج به کار رفت و بعد از آن به تدریج توسط کشورها و دانشگاههای مختلف مورد استفاده قرار گرفت و به دنبال آن سازمانها و نهادهای آموزشی مختلفی، به منظور انتشار و انتقال اطلاعات به روستاییان با نام ترویج تشکیل شد. سازمانهای ترویجی، هم اکنون در اکثر کشورهای جهان فعالیت دارند. گاهی سازمان ترویج وابسته به وزارت کشاورزی یا وزارتخانه‌ای دیگر است و گاهی به صورت نهادی مستقل عمل می‌کند. البته بنا نیست تاریخچه ترویج بررسی شود، بلکه هدف ارائه مفهوم و تعریفی از آن است که بهتر بشود، نقش آنرا در توسعه تشریح نمود. بررسیهای مختلف نشان می‌دهد، کشورهایی که سریع تر به اهمیت ترویج پی برده‌اند و سازمانی را به همین منظور تشکیل داده‌اند؛ توفیق بیشتری در امر کشاورزی و توسعه روستایی را داشته‌اند و بعضی از آنها حتی توانسته‌اند، بازار محصولات کشاورزی را در جهان قبضه نمایند. هر چند وجود ترویج به تنهایی نمی‌تواند، توسعه کشاورزی را در پی داشته باشد،

جدول (۶) سال تأسیس ترویج کشاورزی در جهان (منبع شماره ۲۴ - صفحه ۲۱)

نام کشور	سال تأسیس	نام کشور	سال تأسیس	نام کشور	سال تأسیس
امریکا	۱۹۱۴	اندونزی	۱۹۴۹	برزیل	۱۹۵۶
کانادا	۱۹۱۵	نیپال	۱۹۵۱	تایوان	۱۹۵۷
ترکیه	۱۹۴۴	ایران	۱۹۵۱	سودان	۱۹۵۹
ژاپن	۱۹۴۸	پاکستان	۱۹۵۲	مراکش	۱۹۶۰

اما واقعیت فوق اهمیت ترویج را نشان می‌دهد. جدول شماره (۶)، سال تاسیس ترویج کشاورزی در بعضی از کشورهای جهان را نشان می‌دهد.

در اصل، تعریف قابل قبولی از ترویج، که مناسب همه وضعیتها باشد و هم مورد قبول همه صاحبان نظران باشد، وجود ندارد به همین دلیل هر مروج و متخصصی یک نوع تصور از واژه ترویج دارد که این تصور بر اساس تجربیات او و همچنین سازمانی که برای آن انجام وظیفه می‌کند، شکل می‌گیرد. تصویری که افراد از ترویج دارند، تا حدود زیادی وابسته به محل زندگی و شرایط فرهنگی یک منطقه دارد. واقعیت این است که واژه ترویج بویاست نه ایستا، به همین دلیل دقیقاً قابل تعریف نمی‌باشد. از طرفی ترویج دلالت بر یک جریان مستمر و تغییر دهنده در جامعه روستایی دارد و می‌تواند با توجه به شرایط مختلف عملکردهای مختلفی از خود بروز دهد به عبارت دیگر می‌تواند با توجه به اهداف گوناگونی که دارد تشکلهای مختلفی پیدا کند به همین دلیل، ارائه تعریف یکسان مشکل است.

از این جهت متخصصان مختلف، تعاریف گوناگونی از ترویج ارائه داده‌اند. مثلاً سوان سون در کتاب مرجع ترویج می‌گوید: ترویج عبارتست از فرایند مستمر در جهت عرضه اطلاعات ثمر بخش به مردم و کمک به آنها در کسب معلومات جدید پس ترویج به مردم کمک می‌کند تا اطلاعات خود را بالا ببرند و روشهای آموزشی را بهبود دهند تا بر درآمد و تولید خود بیفزایند. (منبع شماره ۱۳ - صفحه ۲)

اما دکتر ایروانی استاد دانشگاه و رئیس گروه ترویج دانشکده کشاورزی، معتقد است، مهمترین وظیفه ترویج انتقال نوآوری است و فعالیتهای دیگر چه جنبه آموزشی داشته باشد، چه نداشته باشد، بر عهده سازمانها و ارگانهای دیگر است. ولی معتقد است:

ترویج عبارت است از: انتقال نوآوریها و ایده‌های جدید به روستاها (منبع شماره ۷)

دکتر ملک محمدی تعریف قابل فهمی از ترویج برای عموم به این شرح ارائه داده است:

ترویج آموزش غیر رسمی داوطلبانه خارج از مدرسه و هدایت کننده است که هدف اصلی آن

تواناسازی مردم است با این دیدگاه، پس ترویج نوعی نهاد ارشادی است که در جهت بهبود وضع مردم و مخصوص کشاورزی فعالیت می‌کند.

گلسی و هرن به عملی بودن فعالیتهای ترویجی تاکید فراوان دارند و می‌گویند:

ترویج آموزش خارج از مدرسه است که بزرگسالان و جوانان در حین عمل آن را فرامی‌گیرند حتی در کشورهای پیشرفته مفهوم ترویج وسیع تر از اینهاست. در آنجا ترویج به منظور افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال، علاوه بر کشاورزی به چگونگی تولید در مزارع بزرگ می‌پردازد و نتیجه آن این است که در این کشورها، زارعان با آگاهی کامل از مراحل و روند تولید و نیز اعتبارات و... توانسته‌اند، تأمین کننده مواد غذایی نیروهای صنعتی و خودشان باشند. در حال حاضر در جهان صنعتی و کشورهای پیشرفته، فقط بین ۳ تا ۵ درصد از نیروی کار فعال، مشغول کشاورزی هستند.

با این توصیف، هر تعریفی که از ترویج بشود، در عناصر زیر مشترک است:

اولاً: ترویج فعالیتی هدفدار و برنامه ریزی شده و از پیش تصمیم گرفته شده، برای ایجاد تغییرات مطلوب در مردم است.

ثانیاً: برقراری ارتباط مناسب با مردم، از ضروریات ترویج است.

ثالثاً: ترویج فقط می‌تواند، بصورت داوطلبانه مؤثر باشد.

رابعاً: ترویج توسط یک سازمان بیاده می‌شود. هر چند ترویج در جهان سوم عمدتاً به بخش کشاورزی توجه دارد؛ اما نیاز مردم روستایی فقط مربوط به کشاورزی نیست و ترویج به مسائل دیگری هم می‌پردازد. ترویج، در انتقال تکنولوژی و نوآوری برای توسعه کشاورزی، مهمترین وظیفه را بر عهده دارد. ترویج مخصوصاً در توسعه کشاورزی زمانی مؤثر است که شرایط زیر مهیا باشد:

- نهادهای کشاورزی به موقع در اختیار زارعین قرار گیرد.

- کشاورزان برای فروش محصولات خود به بازار مناسب دسترسی داشته باشند.

- تکنولوژی مناسب روستا برای اناسعه به ترویج معرفی و در دسترس مردم قرار گیرد.

ترویج یک نهاد مردمی است که از یک طرف با مردم و گروه و هدف و از طرف دیگر، به طور رسمی با سازمانی که زیر نظر آن فعالیت دارد، در ارتباط است. از آنجایی که فعالیت ترویج تا حدود زیاد به فراگیر بستگی دارد و داوطلبانه است، برنامه‌هایش انعطاف پذیر است و فراده تابع فراگیر می‌باشد. به همین دلیل، در بین مردم، بیشترین محبوبیت را یافته و موفقیت زیادی در انتقال تکنولوژی داشته است.

## ■ نقش ترویج در توسعه

ترویج ضرورتاً، امری است که بوسیله آن، دانش و ایده‌های لازم، جهت تغییر در وضعیت و بهبود سطح زندگی روستاییان و خانواده‌هایشان، به مناطق روستایی وارد می‌شود. بنابراین، ترویج در توسعه نقش والا‌یی دارد و بدون آن کشاورزان به برنامه‌های خدماتی و حمایتی لازم، جهت بهبود وضعیت کشاورزی و فعالیتهای تولیدی خود دسترسی پیدا نخواهد کرد. اهمیت ترویج در توسعه، زمانی مشخص می‌شود که سه عنصر اساسی آن مورد بررسی قرار گیرد. این سه عنصر عبارتند از:

### دانش ↔ ارتباط ↔ خانواده روستایی

ترویج جریانی است که در آن انتقال دانش به روستاییان برای ایجاد تغییرات مطلوب در آنها، به طور مختلف انجام می‌شود. و این جریان، توسط یک مروج که در ارتباط مستقیم با روستاییان است، صورت می‌گیرد. پس برای موفقیت ترویج در امر توسعه ابتدا نیازمند یک نیروی انسانی ماهر هستیم که علاوه بر تواناییهای فنی، به اصول برقراری ارتباط با کشاورزان و نیز روشهای مناسب آموزشی، احاطه داشته باشد.

به اعتقاد ما آموزش در توسعه کشاورزی بخصوص در جهان سوم مهمترین نقش را دارد؛ زیرا توان و مهارتهای فنی پایین کشاورزان را با آموزش می‌توان بالا برد. به عبارت دیگر، در فرایند توسعه کشاورزی، عامل انسانی مهمترین است و ما می‌توانیم با آموزش، کیفیت کار او را بالا ببریم. در فرایند توسعه کشاورزی ارائه سه نوع آموزش به کشاورزان ضروری است این سه نوع عبارتند از:

۱ - آموزش اطلاعات جدید درباره نهادهای تولیدی

۲- آموزش مربوط به شیوه‌های نوین تولید  
۳- آموزش‌های اجتماعی و آموزش روشهای اقتصادی نمودن تولید.

هرچند ترویج تنها سازمان آموزشی، در روستاها نیست اما در ارائه هر سه شیوه، مخصوصاً موارد ۱ و ۲ نقش اساسی دارد.

ترویج می‌تواند به کشاورزی رونق دهد و درآمد روستاییان را بالا ببرد و اختلاف موجود بین شهر و روستا را کاهش دهد. ترویج و آموزش کشاورزی در سطوح مختلف جوامع روستایی که به صورت بسته هستند، درها را به روی نوآوریها باز کند، تا با استفاده از نوآوریها از حالت عقب ماندگی خارج و با دنیای پیشرفته ارتباط برقرار نمایند.

تسهیل پذیرش تکنولوژی مناسب و به کارگیری روشهای جدید کشاورزی، توسط کشاورزان، از ارمانهای ترویج و آموزش کشاورزی است که باعث می‌شود، روستاییان قدرت افزایش تولیدی را کسب نمایند و درآمدهای خود را بالا ببرند. آموزش و ترویج در روستاها زمینه را برای حل سه مشکل زیر فراهم می‌کند:

۱- ضعف و کمبود تولید

۲- عدم برابری در توزیع درآمدها

۳- عدم شرکت مردم در کارهای عمرانی

مورد (۱) و (۲) توضیح داده شده است، اما در مورد بند ۳ باید گفت؛ مشارکت در ترویج به عنوان یک اصل اساسی قلمداد می‌شود. و از آن جایی که توسعه بدون مشارکت عموم مردم عملی نخواهد شد، ترویج به عنوان یک نهاد مردمی و آموزشی به بهترین شیوه می‌تواند از نیروهای بومی و منطقه‌ای برای حل مسائل و مشکلات استفاده نماید. طرز عمل ترویج به این صورت است که با مشارکت مردم و آگاهسازی آنها، در پروژه‌ها و فعالیتهای مرور خود را کنار کشیده، کارها را به مردم واگذار می‌کند یعنی اصل ترویج به خودیاری بر می‌گردد.

در فرایند توسعه لازم است تمام اقشار جامعه فعال باشند و در آنها هم، تغییرات اجتماعی ایجاد شود زنان و جوانان روستایی هم از این قاعده مستثنی نیستند در این میان ترویج، به عنوان یک نهاد آموزشی، بر مشارکت زنان در امر توسعه و شرکت در

فعالتهای اجتماعی - فرهنگی آنها تاکید دارد. بخش وسیعی از فعالتهای ترویج، هم اکنون اختصاص به زنان دارد. همچنین برای دستیابی به اهداف توسعه ملی، توجه به جوانان، به عنوان کشاورزان آینده، ضروری است. علاوه بر این بیشتر جمعیت جهان، را جوانان تشکیل می‌دهند که غالب آنها در روستاها زندگی می‌کنند. چون جوانان آینده‌سازان مملکت هستند، توجه به آنان در امر توسعه ضروری است. سازمانهای ترویجی بخشی از این وظیفه را بر عهده دارند. مشکلات جوانان روستایی بیشتر عبارتند از: نداشتن انگیزه کافی، ضعف آموزشهای فنی، وجود حس انزوا و نبود زمینه برای مشارکت و... هر چند ترویج قادر به حل تمامی این مشکلات نیست، اما می‌تواند، برای آنها اولویت خاصی قائل شود. هم اکنون ترویج در اکثر کشورها انجمنها و تشکلهایی را ایجاد کرده که در نهایت به رشد و توسعه فکر آنها و تقویت حس مسئولیت پذیری افراد می‌پردازد و این قدمی مهم در فرایند توسعه است.

### نتیجه‌گیری

۲/۳ کل جمعیت کشورهای در حال توسعه و اکثر محرومان جهان، معاش خود را از راه کشاورزی تأمین می‌کند. لذا رفع نیازهای اساسی انسانی و تسریع در روند توسعه روستایی و توسعه کشاورزی اولویت نخست را تشکیل می‌دهند. سازمان ترویج به نوبه خود، توان بالقوه بذل و توجه کاربرد استعداد خویش، برای پرداختن به اولویتهای خود را داراست.

بخش کشاورزی در ایران از مهمترین و تواناترین بخشهای اقتصادی است. این بخش تأمین کننده ۱/۴ تولید ناخالص ملی و ۱/۳ اشتغال و بیش از ۴/۵ مواد غذایی و نیز ۱/۳ صادرات غیرنفتی کشور است. این بخش تا کنون نتوانسته است ۹/۱۰ نیاز صنایع به محصولات کشاورزی را برطرف نماید. بخش کشاورزی با وجود سیاستهای ضد کشاورزی که تا کنون در کشور اعمال شده نتوانسته است به حیات خود

ادامه دهد. (منبع شماره ۱۰ - صفحه ۲۴)

خوشبختانه، در برنامه دوم توسعه اقتصادی، بر نقش محوری کشاورزی، در توسعه اقتصادی تاکید شده است. خط مشی برنامه دوم عبارت است از تحقق

رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی.

برای توسعه کشاورزی شناخت منابع و ارتقاء سطح تکنولوژی و کاربرد شیوه‌های نوین کشاورزی، ضرورت دارد. همان طور که در سراسر مقاله تاکید شد، ترویج در این خصوص نقش اساسی دارد، البته اگر بتوان برخی از مهمترین مسائلی که توان ترویج را در توسعه کشاورزی محدود می‌سازد را برطرف نمود.

ترویج همواره برای فعالیت مؤثر با مشکلاتی روبروست که برای حل آنها به برنامه‌ریزی دقیق، انتخاب شیوه‌های مناسب ترویجی، مدیریت کارآمد و بودجه کافی نیاز است. برخی از مشکلات ترویج در بین تمام کشورهای در حال توسعه عمومیت دارد؛ زیرا این مشکلات به علت گستردگی کار ترویج و تعداد ارباب رجوع و پراکندگی جغرافیایی آنها ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد، فقدان وسایل نقلیه کافی مناسب و فقدان آموزشهای ترویجی، از مسائل بسیار جدی ترویج در سراسر جهان است، نتایج تحقیقاتی که در سال ۱۹۸۰ توسط FAO صورت گرفت این واقعیت را تأیید می‌کند.

در این سال از ۵۹ نفر از مدیران ترویج سازمانهای ترویجی در کشورهای در حال توسعه خواسته شد، مسائل و مشکلات خود را بر حسب اهمیت اولویت بندی نمایند. نتایج این تحقیق بشرح زیر است (منبع ۱۳ - صفحه ۶۵۰)

رتبه گذاری به ترتیب اهمیت مساله	نوع مساله
رتبه اول	ایاب و ذهاب
رتبه دوم	آموزش ترویجی
رتبه سوم	تجهیزات
رتبه چهارم	تشکیلات
رتبه پنجم	آموزشهای فنی
رتبه ششم	وسایل کمک آموزشی
رتبه هفتم	وسایل ارتباطی
رتبه هشتم	تکنولوژی
رتبه نهم	سایر

همانطوری که مشاهده می‌شود، مشکل ایاب و ذهاب و آموزشهای ترویجی به ترتیب اولویت اول و بقیه در صفحه ۲۹

محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست ۱۳۶۵  
 ۱۱ - کاظم ودیعی. مقدمه‌ای بر محیط‌شناسی، کاظم ودیعی. انتشارات بهیانی، ۱۳۷۲  
 ۱۲ - احمد کتابی، نظریات جمعیت‌شناسی. انتشارات اقبال، ۱۳۷۰  
 ۱۳ - کنراد کونتس، هشت گناه انسان متمدن، ترجمه محمود و فرامرز بهزاد، انتشارات کتاب زمان، ۱۳۵۸

۷ - جی، تی، میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه مجید مخدوم، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱  
 ۸ - کنت وات. میانی محیط زیست. مترجم عبدالحسن وهاب زاده. جهاد دانشگاهی فردوسی مشهد ۱۳۷۲  
 ۹ - قدیمی - محمدرضا محیط زیست تعادل بین انسان و طبیعت. مجله جهاد شماره ۱۶۱۰ خرداد ۱۳۷۲  
 ۱۰ - بهرام سلطانی، کامبیز، مقدمه‌ای بر شناخت

فرجادی، غلامعلی، جلد اول انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.

۴ - حسینی، سیدمحمود. نقدی بر استراتژی‌های بکار گرفته شده در توسعه روستایی، ارائه شده بد چهارمین کنفرانس روستا، رشد و توسعه وزارت جهاد سازندگی، مشهد، ۱۳۶۶ (مجموعه مقالات منتشر شده است).

۵ - حیدری، علیقلی، تعیین نیازهای آموزشی مروجین ... پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران ۱۳۷۲.

۶ - درویش، کریم و کریمی محمد توسعه تکنولوژی مناسب روستایی. گزارش از انستیتوی مهندسی تکنولوژی روستایی. اسد آباد هندوسان. مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی ۱۳۶۳.

۷ - زمانی پور، اسدالله، ترویج کشاورزی در فرایند توسعه، بانس مؤلف، ۱۳۷۰

۸ - سوماخر، ای. اف. کوچک ریاست، (اقتصاد با ابعاد انسانی) ترجمه علی رامپر، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۰

۹ - ضیائی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲

۱۰ - قتی، زهره. تکنولوژی مناسب کشور در حال توسعه، ماهنامه علمی - اقتصادی، اجسام، جهاد شماره ۱۶۸ سال ۱۳۷۲

۱۱ - کرمی، عزت‌الله و فانی، سید ابوالقاسم، بررسی نظریه بردارها در ترویج، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، جلد دوم ۱۳۷۲

۱۲ - گزیده مقالات روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی شماره دوم، فروردین ۱۳۶۸

۱۳ - سعیدی، سعیدی، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت، و سازمان وزارت کشاورزی دفتر تحقیقات و تلفیق، ۱۳۷۰

۱۴ - هیران دی، دیاس و بی دلیوی، ای. ویکر اما، ایک، درسامه برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۶۸

15 - CAB ABSTRACT sing - RY 1987 - 1989

بقیه از صفحه ۳۳

دوم را دارند و مسائل ارتباطی و تکنولوژی و متفرقه در پایین ترین مقیاس قرار دارند. عبارتی در اکثر کشورها کارکنان صحرائی ترویج فاقد وسایط نقلیه کافی برای دسترسی به کشاورزان هستند، همچنین کارکنان ترویج فاقد آموزشهای مربوط به روشهای آموزشی ترویج و مهارت ارتباطی هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که باید از روشهای ترویجی که از اتکای کارکنان ترویج به وسایط نقلیه می‌کاهد، استفاده بیشتری نمود.

همچنین باید ابزار ارتباطی و وسایل کمک آموزشی در اختیار کارکنان باشد، تا بتوانند از آموزشهای گروهی و ارتباط جمعی بهتر استفاده کنند. خوشبختانه در ایران چند سالی است که اهمیت این نظام آموزشی برای مسئولین روشن شده است، اما متأسفانه هر چند تحقیقات رشد مناسبی داشته است، اما ترویج نتوانسته است پایه پای آن رشد داشته باشد. از طرف دیگر در ایران ارتباط مناسب بین ترویج و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی، جایگاه واقعی خود را در سازمانهای ترویجی پیدا نکرده است.

مدیران و سرپرستان ترویج در استانها و شهرستانها باید از فارغ التحصیلان رشته ترویج باشند، تا بتوانند به طور غیر متمرکز برنامه ریزی نمایند. در برنامه‌ریزی غیر متمرکز استفاده مطلوب تری از نیروهای بومی و امکانات منطقه‌ای می‌شود. و در نهایت این که ترویج برای موفقیت در کشور نیازمند یک قانون مسدود است، تا بتواند در سایه آن برنامه‌های خود را توجیه نماید و بودجه‌ای مناسب دریافت نماید.

عمومی و خصوصی را براساس اولویتهای اتخاذ نشده در برنامه‌های توسعه روستایی، منطقه‌ای، همسو و هم‌جهت نماییم.

۷ - در برنامه‌های توسعه روستایی، منافع همه اقشار (مردان، زنان، جوانان، میان سالان، نوجوانان، زارعین (خرده یا، متوسط، بزرگ مالک) دامداران، خوش نشینان و غیره مورد توجه قرار گیرد.

۸ - در زمینه ایجاد و گسترش صنایع تبدیل کشاورزی و روستایی به منظور جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی، بیش از پیش سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

در پایان لازم به ذکر است که خط مشی‌های مذکور، تنها خط‌مشی‌های مذکور مورد نیاز برای برنامه‌های توسعه روستایی در کشورمان نیستند. برای تحقق توسعه متناسب با شرایط و امکانات ضروری است، خط و مشی‌های دیگری نیز، اتخاذ گردد. که در این مختصر از ذکر همه آنها خودداری شده و تنها به بررسی مهمترین خط‌مشی‌ها اکتفا شده است.

امید است، مسئولین و دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه روستایی کشور، همه ابعاد توسعه و خط‌مشی‌های حاکم بر آنها را همچون اجزای یک سیستم واحد، مورد توجه قرار دهند، تا انشاءالله برنامه‌های توسعه روستایی کشورمان با موفقیت، قرین باشد.

● فهرست منابع و مآخذ مورد استفاده

۱ - ازکرا، مسطقی مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۳  
 ۲ - استراتژیهای توسعه روستایی، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی ۱۳۶۳  
 ۳ - تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه